

مبانی هستی‌شناسی فرهنگ اقتصادی در رویکرد قرآنی

عبدالخالق کریمی^۱

چکیده

فرهنگ اقتصادی جامع‌ترین نظام معنایی و بنیادی‌ترین هدایت‌گر رفتارهای اقتصادی و مرکب از سطوح مختلفی است. از جمله لایه‌های بنیادین فرهنگ اقتصادی هستی‌شناختی است. هدف تحقیق تبیین آموزه‌های هستی‌شناسانه مستخرج از دیدگاه قرآن است. سوال اصلی عبارت از: مبانی هستی‌شناختی فرهنگ اقتصادی در رویکرد قرآنی کدام است؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. مبانی هستی‌شناسی فرهنگ اقتصادی در حوزه‌های خداشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، بیان شده است. یافته‌های تحقیق: بر اساس باورهای خداشناسی رفتارکننده؛ جهان دارای مدیر و مدبری است که رزق و روزی و برکات آسمانها و زمین از جمله برکت در درآمد کسب و کار به دست اوست. در مبنای انسان‌شناسی، انسان موجودی دو بعدی است. از این رو، نیازها و تمایلات انسان نیز دو گونه دنیا و آخرت است. او به عنوان خلیفه خدا، هماهنگ با منافع دیگران و وابسته به ثروتش نیست، آن را در مسیر رضایت الهی و مسیر خدمت به رفع نیاز نیازمندان به کار می‌گیرد. اعطای روزی‌ها بر اساس تفاوت استعدادها و تلاشهای مشروع اقتصادی، مسئولیت مالی رفتار کننده اقتصادی و نسپردن مال به دست غیر متخصص و سفیه از جمله مبانی جامعه‌شناختی است.

کلیدواژه‌ها: مبانی، هستی‌شناختی، فرهنگ، فرهنگ اقتصادی، انسان‌شناسی.

^۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و اقتصاد، جامعه المصطفی العالمیه؛ Abkarimio8@gmail.com

بیان مسئله

فرهنگ اقتصادی بخشی از فرهنگ به معنی عام آن است که معطوف به تامین رفاه جامعه است؛ این فرهنگ مجموعه ای از ارزشها، باورها، و هنجارهای متعدد انسانها در برآوردن نیازهای اساسی و حیاتی شان است. آنچه مسلم است همیشه رفتارها و روابط اقتصادی بر اساس جهانبینی مطرح در فرهنگ اقتصادی و هدفهای برخاسته از آن، شکل می گیرند. انسانها با توجه به باورها، ارزشها و هدفهای مورد قبول خود، رفتارها و رابطه خاصی را در عرصه اقتصادی دنبال می کنند. یک فرد مسلمان معتقد به خدا و معاد و با هدف برخورداری از سعادت دنیوی و اخروی هرگز به دنبال روابط ربوی نمی رود. بر اساس این جهانبینی نگرش ما ساخته می شود و مبانی هستی شناختی در این منظومه در حقیقت پایه و اساس ساختار ذهنی است و در شکل گیری رفتارهای اقتصادی نقش اساسی دارند. اگر کسی چنین باورها و ارزشهایی را به عنوان آموزه های بینشی و دانشی قبول نداشته باشد و هدف از زندگی را تنها بیشینه کردن منافع مادی دنیایی بداند به طور طبیعی رفتارها و روابطش در عرصه اقتصادی با انسان مسلمان معتقد فرق خواهد کرد. فرهنگ اقتصادی جامع ترین نظام معنایی و بنیادی ترین هدایت گر کنش و رفتارهای انسانی در عرصه ی اقتصادی که مرکب از عناصر، لایه ها و سطوح مختلفی است که از جمله آنها هستی شناختی و جهان بینی، اعتقادات و باورها، آداب و سنت ها و قوانین مرتبط با رفتار اقتصادی که عمیق ترین لایه های فرهنگ اقتصادی است. بر این اساس تبیین مبانی هستی شناختی فرهنگ اقتصادی از مباحث اساسی و بنیادین و سنگ بنای تصحیح رفتارهای اقتصادی مطلوب است که در این تحقیق با رویکرد قرآنی اشاره می گردد. و سوال اصلی عبارت است از: مبانی هستی شناختی فرهنگ اقتصادی در رویکرد قرآنی کدام است؟ روش تحقیق توصیفی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

پیشینه تحقیق

برخی از مهمترین تحقیقات مرتبط با روش فرهنگ سازی و رفتار اقتصادی عبارتند از: ۱- ملایی (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مهندسی فرهنگی تمدن اسلامی در قرآن (با تاکید بر بخش اقتصاد)» می نویسد: قرآن کریم برای فرهنگ،

اندیشه، اخلاق و باورهای انسانی قائل به اصالتی حقیقی است که در پرتو اعتبارات (بایدها و نبایدها) همواره متناسب با فطرت بشر، در چهارچوبی نمای کلی زندگی انسان و تمام اجزاء فرهنگ را برای فرد و اجتماع هر دو لحاظ نموده و در نهایت دقت و کمال مولفه‌های فکری و بنیادین یک فرهنگ متعالی را تشریع و معرفی کرده است که می‌توان این نمای کلی را در سه محور حقیقی خدا، انسان و نظام هستی، پایه ریزی نمود و پایبندی به اعتبارات قرآنی روابط این سه باهم را از مهم‌ترین مولفه‌های مهندسی فرهنگی قرآن در تحقق مدینه فاضله و تمدن مبتنی بر یک نگرش توحیدی به شمار آورد. وی در این پژوهش با رویکردی ایجابی درصدد تبیین تحلیلی هندسه اصول فرهنگی برآمده از متن قرآن در چهارچوبی سیستمی است که اجزای این سیستم، معانی حقیقی ثابت و فطری انسانی است؛ که با دو رکن معرفت و قاعده لطف درصدد حاکمیت ارزش‌های انسانی بر حوزه‌های مختلف یک جامعه است که از راه تکیه بر کرامت انسان و جایگاه او در جهان بینی قرآن، محقق می‌گردد. در این تحقیق به برخی از مبانی هستی‌شناختی مطرح در عرصه اقتصادی اشاره شده است.

۲- اخلاقی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای: مبانی هستی‌شناختی سبک زندگی طیبه از دیدگاه قرآن کریم، معتقد است که: در واکاوی «مبانی هستی‌شناختی»، نوعی جهان بینی به دست می‌آید که نشان می‌دهد نگاه به هستی یا الهی و توحیدی (یعنی دارای هویت از اویی و به سوئی) و یا الحادی و مشرکانه است. پذیرش هر یک از این مبانی آثار و تبعاتی دارد و هر کدام الگوهای رفتاری و سبک زندگی متناسب با خود را در بعد فردی و اجتماعی می‌آفریند.

۳- غفاری (۱۳۹۸)، در مقاله: کارکردهای مبانی هستی‌شناسی تعیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، به نظام اهداف پیشرفت اقتصادی بر اساس کارکردهای مبانی هستی‌شناختی طی چهار مرحله جمع‌آوری، مرتب، منظم و نظام‌مند کردن از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و سپس تبیین شده‌اند. ایشان معتقد است کارکرد مبانی هستی‌شناختی تعیین ساختار و تبیین اهداف است. بر این اساس

ساختار اهداف شامل هدف نهایی، هدف میانی، اهداف مقدماتی و وظایف فردی است و باید ابعاد مادی و معنوی و دنیوی و اخروی در آنها در نظر گرفته شود.

۴- ابراهیمی کرچی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای: عوامل بینشی و گرایشی پیشرفت فرهنگ از دیدگاه علامه طباطبایی، بر اساس تقسیم فرهنگ به دولایه درونی و بیرونی، معتقد است که: در لایه درونی جهان بینی و ارزش‌ها و باورها و گرایش‌ها نقش برجسته دارند و در لایه بیرونی هم ساختارها و هنجارهای متأثر از آنها وجود دارد و کلیدی‌ترین نقطه در پیشرفت یا انحطاط فرهنگ، حوزه بینشی و معرفتی است و شناخت عوامل آن کمک شایانی در ارزیابی و تحلیل تغییرات بنیادین فرهنگ می‌کند. در این مقاله به ذکر چند محور از عوامل بینشی و معرفتی که موجب پیشرفت فرهنگ از دیدگاه علامه و شاگردان شان می‌شود پرداخته شده است. در این تحقیق از مجموع نتایج این تحقیقات استفاده شده است و به مهمترین مبانی هستی‌شناختی فرهنگ اقتصادی اشاره شده است.

مفهوم‌شناسی و ادبیات تحقیق

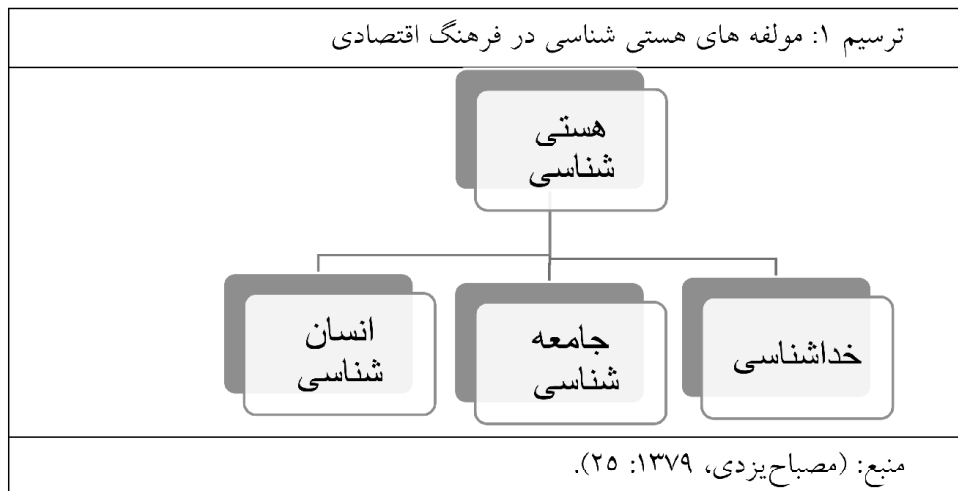
مؤلفه‌های هستی‌شناختی

هستی‌شناختی به مفهوم عام درباره عالم هستی است و شامل خداشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جهان‌شناسی می‌گردد (میرمعزی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). این هستی‌شناختی به مثابه مبانی فکری و بینشی رفتارکننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب است. و مبانی اساسی فکری- فلسفی در حقیقت همان جهان‌بینی است (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۱۹). جهان‌بینی، به معنی نوع برداشت و طرز تفکری است که هر مکتبی درباره جهان و هستی بیان کرده و آن را به پیروان خود عرضه می‌دارد و به مثابه ی تکیه‌گاه فکری آن مکتب شمرده می‌شود (مظهری، ۱۳۷۴: ۷۱۴-۷۱۵). منظور از مبانی اساسی و باورهای و اعتقادات هستی‌شناختی فرهنگ اقتصادی، آن دسته از مسائل جهان‌بینی اسلامی است که تکیه‌گاه خطوط اصلی مدل و سازنده ایده‌های آنها است. به اعتقاد محققین اسلامی، محوریت مدل، مبانی نظری است. و در اطراف آن دیگر اجزای اصلی مدل به ترتیب: اهداف، انگیزه‌ها، ملاک‌ها و اصول رفتاری جا گرفته است که تمام آنها به‌طور مستقیم با مبانی مرتبط و از آنها متأثر هستند (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۳۴).

همچنین مبانی در فرهنگ اقتصادی قرآن که همان بخش باورهای اعتقادی و بینشی در عرصه اقتصاد است، از عوامل موثر بر شکل‌گیری و تکوین رفتار اقتصادی مطلوب و زیربنای اولیه آن است.

به طور خلاصه می‌توان گفت؛ گاهی مبانی مربوط به یک نظام علمی است، گاهی منظور از مبانی بیان واقعیت یک موضوع است به‌عنوان مثال، مبانی انسان‌شناسی یعنی واقعیت انسان یا چیستی انسان و گاهی منظور از مبانی یعنی اصول موضوعه و غیره؛ و گاهی مبانی گزاره‌های توصیفی است که به ویژگی‌های اساسی یک نظریه اشاره دارند. معمولاً این گزاره به‌صورت «است» بیان می‌شود؛ و مبانی بینشی در فرایند فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی به آن دسته از تصورات یا تصدیقاتی گفته می‌شود که زیربنای تصورات و تصدیقات در مسائل الگو است و در متن الگو به‌عنوان پیش‌فرض قلمداد می‌شوند. بر این اساس وقتی گفته می‌شود مبانی جهان‌شناختی الگو، یعنی مجموع تصورات و تصدیقاتی درباره جهان امکان، موجودات و مخلوقات که زیربنای مسائل الگو قرار می‌گیرند (میرمعزی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). و در الگو به‌عنوان پیش‌فرض تلقی می‌شوند. بر این اساس در این تحقیق هر یک از مبانی مذکور، مجموع تصورات و تصدیقاتی است که درباره‌ی خدا، انسان و جامعه، همچنین درباره‌ی معرفت و ارزش‌ها از آیات قرآن کریم به دست می‌آید. همچنین در تعریف برگزیده از مفهوم هستی‌شناسی داریم که هستی‌شناسی به معنای مطلق (اعم از واجب و ممکن) است. بر این اساس هستی متشکل از وجود واجب الوجود خداوند و ممکناتی مثل انسان (به عنوان خلیفه و جانشین خدا در زمین) و جامعه (به عنوان موجودی که وجود حقیقی و شخصیتی مستقل از شخصیت‌های افراد خود ندارد) (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۲۵) هست، در نتیجه مراد از هستی‌شناسی در این تحقیق شامل؛ خداشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی است.

براین اساس به مبانی بینشی رفتارکننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب به‌طور خلاصه از دیدگاه قرآن اشاره می‌گردد:

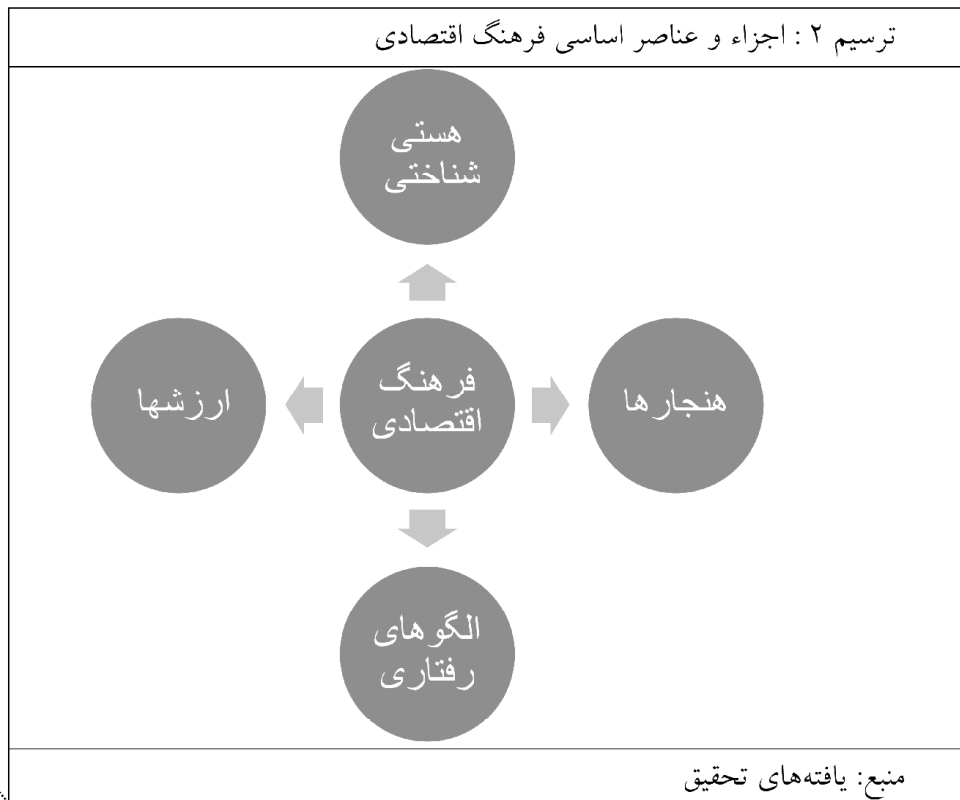


این آموزه های هستی شناسانه در قالب باورها و آموزه های مستخرج در بینش فرهنگ اقتصادی، زیر بنا و عامل موثر و نگرش ساز برای منش و رفتار اقتصادی مطرح می باشد.

فرهنگ و فرهنگ اقتصادی

فرهنگ جامع ترین نظام معنایی یا بنیادی ترین نرم افزار هویت بخش و هدایت گر کنش های انسانی در فرآیند زیست فردی و اجتماعی در جامعه و مرکب از مجموعه نسبتاً منسجمی از عناصر هستی شناختی (= جهان بینی) و ارزش شناختی (= ایدئولوژی یا نظام باایده ها و نبایدهای منبعث از آن جهان بینی) است (شرف الدین، ۱۳۹۳: ۲۸). براین اساس هر فرهنگ لایه ها و سطوح مختلفی دارد. عمیق ترین لایه های فرهنگی، لایه هایی است که عهده دار تفسیر انسان و جهان است؛ مجموعه معانی که جغرافیای هستی را رسم و انسان را در آن تعریف کرده، سعادت و آرمان های زندگی و مرگ را تبیین می کند (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۴۸). سه لایه پوخته ای مربوط به تمدن و مظاهر آن است و فرهنگ اقتصادی بخشی از فرهنگ است که معطوف به تامین رفاه جامعه است؛ این فرهنگ مجموعه ای از باورها، ارزشها و هنجارهای متعدد انسان ها در برآوردن نیازهای اساسی و حیاتی شان است. با توجه به تعریف نهایی از فرهنگ می توان گفت که: فرهنگ اقتصادی جامع ترین نظام معنایی و بنیادی ترین هدایت گر کنش و رفتارهای انسانی در عرصه ی اقتصادی که مرکب از عناصر، لایه ها و سطوح مختلفی است که عبارتند از؛

- ۱- هستی‌شناختی و جهان‌بینی، اعتقادات و باورها، آداب و سنت‌ها و قوانین مرتبط با رفتار اقتصادی که عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ اقتصادی است؛
- ۲- ارزشها، ایدئولوژی یا نظام‌بایدها و نبایدهای مرتبط با رفتار اقتصادی که منبعث از آن جهان‌بینی و ارزشهاست،
- ۳- هنجارهای مرتبط با رفتار اقتصادی و الگوهای رفتاری برآمده از ارزشها. بر این اساس اجزاء و عناصر اساسی فرهنگ اقتصادی را در قالب: باورها، ارزشها، هنجار، قوانین، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری می‌توان بیان کرد:



بنابراین فرهنگ اقتصادی مجموعه نگرش‌های اقتصادی موجود که اعم از هستی‌شناسی، هنجارها و ارزشها در هر جامعه است که به چگونگی انجام رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی شکل می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

مبانی هستی‌شناختی فرهنگ اقتصادی مطلوب

۱- باورهای خداشناسانه رفتارکننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب

منظور از باورهای خداشناسانه مرتبط با رفتار اقتصادی عبارت است از؛ مجموع تصدیقاتی که در قالب آموزه‌ها و گزاره‌های کلی و درباره صفات و ویژگی‌های خداوند متعال در ارتباط با رفتار اقتصادی مطلوب، در قرآن کریم آمده است و زیربنای مسائل الگو قرار می‌گیرند و به‌عنوان پیش‌فرض تلقی می‌شوند. باورهای فکری رفتارکننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب درحوزه خداشناسی از دیدگاه قرآن این گونه معرفی شده است: خداوند یگانه (توحید: ۱)، زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد (فرقان: ۵۸)، قوی و شکست‌ناپذیر (هود: ۱۱)، دارای قدرت نامحدود (بقره: ۱۰۶)، بهترین روزی دهنده (مؤمنون: ۷۲) و بلکه تنها روزی دهنده (ذاریات: ۵۸)، با بندگان رؤف و مهربان (آل عمران: ۳۰)، است.

توجه به این ویژگی‌های خداوند در فرهنگ اقتصادی مطلوب که همراه با رفتارها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است، باعث می‌شود انسان فقط به او دل بستگی یابد و تکیه و اعتمادش نیز بر او باشد، زیرا غیرخدا، توان یاری کردن انسان را ندارد؛ دعای انسان را نمی‌شنود (فاطر: ۱۴)؛ مالک هیچ ضرر و نفع (مائده: ۷۶) و مالک رزق و روزی انسان نیست (عنکبوت: ۱۷)؛ نمی‌تواند انسان را در اوضاع دشوار و گرفتاری‌های زندگی یاری کند (انعام: ۶۳). از دیدگاه یک رفتارکننده، جهان دارای مدیر و مدبری است (یونس: ۳۱) که رزق و روزی و برکات آسمانها و زمین از جمله برکت در درآمد کسب و کار به دست اوست (الأعراف: ۹۶).

می‌توان گفت خداوند متعال به عنوان آفریدگار عالم آفرینش و حاکم و مالک عالم آخرت و دارای صفات ثبوتی و سلبی و ذات واجب الوجودی است که وضع‌کننده‌ی مجموعه قوانین و سنت‌ها و مدبر امور اقتصادی و اجتماعی جهان آفرینش و پساندایی برای انسان و سایر مخلوقات است.

مجموعه این باورها در لایه فکری و بینشی یک رفتارکننده در عرصه اقتصادی

می‌بایست با عامل انسانی نیروی انسانی و نهادها و با استفاده از روشهای فرهنگ سازی خلق و ایجاد گردد تا در لایه‌ها و مرحله بعدی، رفتاری مبتنی بر این مبانی بینشی و جهان شناسی، شکل گیرد و در جامعه نهادینه گردد.

۲- آموزه های انسان شناسانه رفتار کننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب

انسان شناسی هرمکتب، راهنما و زیربنای نظام فکری و فرهنگی آن مکتب است. نگرش خاص انسان شناسانه هر مکتب هدایتگر و خط دهنده فرهنگ اقتصادی و رفتارهای اقتصادی اوست.

نگرش اومانیستی به انسان و نگرش اگزیستانسیالیستی و مارکسیستی در مورد انسان و هرگونه‌ی دیگر از انسان نگری، تأثیراتی ژرف در سامان یافتن نظام‌ها و مکاتب فرهنگی و اقتصادی هر جامعه دارد؛ و با نگاهی دیگر انسان به واسطه وجود چند بعدی و ذومراتب، می‌تواند با روش‌های مختلف شناختی مورد بررسی قرارگیرد.

روش تجربی، وجود انسان را از دریچه‌ی حس و تجربه و با استفاده از علوم، مانند فیزیولوژی، روان شناسی، مردم شناسی و غیره، مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش عقلی، با نگاه کلان به ابعاد وجودی انسان و مبدأ و غایت او به کشف جایگاه وی در نظام آفرینش می‌پردازد و با کمک از فلسفه، لایه‌های غیر مرئی و ماورای طبیعت او را به نمایش می‌گذارد.

انسان‌شناسی دارای انواع فلسفی، دینی، علمی، عرفانی و اخلاقی است. هریک از انواع انسان‌شناسی گرفتار بحران‌هایی است و تنها انسان‌شناسی دینی- قرآنی است که هیچ بحرانی در حوزه آن راه نیافته است؛ زیرا از منبع و حیانی یقینی سرچشمه می‌گیرد.

در مبنای انسان شناسی قرآنی، انسان موجودی دو بعدی است. یک بُعد مادی دارد که همان بدن اوست و یک بُعد غیرمادی که همان روح اوست (حجر: ۲۸ و ۲۹) و حقیقت انسان به روح اوست. از این رو، نیازها و تمایلات انسان نیز دو گونه است و تکامل او نیز در گرو رشد مطلوب هر دو بُعد می‌باشد. نادیده انگاشتن بُعد معنوی و روحی، آن گونه که محصول باورها مکتب سرمایه‌داری است، آدمی را از مقام والای خود تنزل می‌دهد و «انسان اقتصادی مطرود» از دیدگاه اسلام را شکل می‌دهد.

برخی از ویژگیها و نشانه‌های رفتاری چنین انسانی که در اقتصاد سرمایه داری و غیر اسلامی فعالیت دارد این گونه است: پیوسته، سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد؛ از این رو، خسیس و خودخواه است (اسراء: ۱۰۰)؛ نمی‌تواند یا نمی‌خواهد منافع واقعی و درازمدت خویش را در نظر گیرد (قیامت: ۲۰ و ۲۱)؛ سخت شیفته مال و ثروت است (عادیات: ۸)؛ کم‌ظرفیت و کم‌طاقت است؛ از این رو، در مواجهه با مشکلات اقتصادی، بی‌تابی می‌کند و به هنگام گشایش و رفاه، بخل می‌ورزد (معارج: ۱۹-۲۱)؛ در صورت توانگری، سرکشی می‌کند (علق: ۶ و ۷)؛ برخود می‌بالد و بر دیگران فخر می‌فروشد (هود: ۱۰).

در مقابل، انسان «تربیت یافته، تزکیه شده» در اقتصاد اسلامی قرار دارد که خلیفه خدا، (بقره: ۳۰) معلم و مسجود فرشتگان، (بقره: ۳۳ - ۳۴) و برخوردار از کرامتی ویژه (اسراء: ۷۰؛ حجرات: ۱۳) و دارای مقامی بس ارجمند است و از دیدگاه اسلام، «انسان کاسب حبیب الله» به شمار می‌رود. ویژگیهای چنین انسانی این است که: با منافع دیگران هماهنگ، بلکه در موارد لازم، آن را بر منفعت شخصی خودش مقدم می‌دارد (حشر: ۹)؛ دلداد و وابسته به ثروتش نیست، بلکه آن را در مسیر رضایت الهی (بقره: ۲۶۵) و مسیر خدمت به رفع نیاز نیازمندان (ذاریات: ۱۹) به کار می‌گیرد. متین و خویشتن‌دار است و در برابر نابسامانیهای اقتصادی و مشکلات زندگی، شکیبایی می‌ورزد (حج: ۳۵) و هنگام رفاه و آسایش، طغیان نمی‌کند و به سرمستی و شادمانی و فخرفروشی آلوده نمی‌شود (هود: ۱۱)؛ آینده‌نگر و دارای بینشی عمیق است؛ از این رو، دارایی خویش را در «سودایی مقدس»، وسیله‌ای برای نیل به منافع درازمدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد (فاطر: ۲۹ و ۳۰).

شهید مطهری در مباحث انسان شناسی خود، برای موضوع فطرت اهمیت زیادی قائل است به طوری که موضوع فطرت را امّ المعارف می‌داند. ایشان فطرت را امری الهی می‌داند که بر وزن فعله است به معنی گونه خاص از خلقت ابتدایی انسان. به عبارت دیگر اشاره به آن مرحله ای دارد که انسان، انسان شد. زیرا هنگام خلقت انسان، خمیر انسان را چهل شبانه روز سرشتند و آن را آماده کردند. در غیر این صورت خداوند می

توانست انسان را بدون آن چهل روز خلق کند و بعد از این چهل روز است که ماده به مرحله ای می‌رسد که مستعد می‌شود تا صورت جدید خود را پیدا کند. در نهایت باید گفت تمام امور فطری همچون دین، اخلاق، عقل، عشق بر می‌گردد به همان مرحله خاص که ماده دارای چنین آفرینشی شده است (مطهری، ۱۳۸۹: ۹۵). استاد، فطرت را به دو نوع تقسیم می‌کند یکی در ناحیه شناخت‌ها و درک‌ها و دریافت‌ها؛ فطری بودن امور مذکور به این معنی می‌باشد که زمانی انسان به مرحله‌ای از رشد برسد که بتواند این امور را تصور کند. تصدیق این‌ها برایش فطری است و نیازی به آموزش و استدلال برای اثبات آن‌ها وجود ندارد. دیگری فطرت در ناحیه خواست‌هاست که خود به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱- خواست‌های جسمی: تقاضاهایی که صد درصد وابسته به جسم باشد، مثل گرسنگی ۲- خواست‌های روحی، مثل برتری طلبی، تفوق خواهی و قدرت طلبی (مطهری، ۱۳۹۸: ۵۷-۴۷).

استاد مطهری با اشاره به جمله افلاطون که می‌گوید انسان هر معشوقی که دارد با یک جذب به سوی او می‌رود ولی بعد از آن که به آن می‌رسد عشق دفن می‌شود، نتیجه می‌گیرد که بشر احساس می‌کند با ثروت و رفاه و... به آسایش می‌رسد؛ اما این چنین نیست و انسان هرگز نمی‌تواند عاشق «فانی» باشد. نمی‌تواند عاشق شیء باشد که در زمان و مکان محدود است. انسان عاشق کمال مطلق است و تنها چیزی که قلب بشر را آرام می‌کند خداشناسی و ذکر خداوند است. البته اسلام مخالف ثروت و رفاه و... نیست؛ اما می‌گوید بشر خیال می‌کند این‌ها هستند که به بشر آسایش و آرامش می‌دهند و وقتی به این‌ها رسید احساس می‌کند که به کمال مطلوب خود نائل شده است، اشتباه می‌کنید؛ منحصرأ با یاد خداست که دل‌ها آرامش پیدا می‌کند (همان، ۸۲-۸۰).

در نهایت یکی از مبانی بینشی در امر انسان‌شناسی، مسئله جبر و اختیار مربوط به انگیزه اعمال و رفتار انسان است زیرا مصدر اعمال و رفتارهای انسان از لایه‌لای مجموعه عوامل جبری و اختیاری به دست می‌آید. که تاثیر نهادها و عامل انسانی را در روند شکل‌گیری رفتارهای انسان اشاره دارد.

آیات قرآن در زمینه جبر و اختیار به دوگروه تقسیم می‌شوند؛ یک دسته از آیات

قرآن، آینده دنیا و حیات انسان و پدیده‌ها را به علم و اراده و مشیت الهی مختص می‌دانند (البقرة: ۱۰۵)، (البقرة: ۲۴۷)، (المائدة: ۵۴)، (الأعراف: ۱۲۸)، (یونس: ۲۵)، (النور: ۳۸)، (العنکبوت: ۲۱) و (فاطر: ۸). شهید مطهری در این باره می‌گوید: قرآن به شکلی عموم مشیت الهی و عموم قضا و قدر را قایل است که هیچ‌گونه منافاتی بین آن و اختیار و اراده ی بشر نیست (مطهری، ۱۳۷۰: ج ۳، ص ۱۲۳-۱۲۱).

در مقابل، آیات دیگر، آینده دنیا و حیات پدیده‌ها و سرنوشت انسان را در نتیجه ی رفتار و اعمال خود انسان و با توجه به عوامل تعیین کننده اختیار و اراده انسان مربوط می‌دانند. از جمله آیاتی که مسئله ی اختیار و اراده بشر را به طور جدی مطرح فرموده است آیه (ذلک بما قَدَّمْتَ أیدیکم) (آل عمران: ۱۸۲) است در این آیه شریفه می‌فرماید این پرونده اعمال به موجب اعمال شما و به موجب کارهایی که به دست خودتان صورت گرفته است، رقم خورده است که با اراده و اختیار خودتان و بدون هیچ اجباری انجام گرفته است.

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (البقرة: ۲۵۶).

همچنین با اشاره به اراده و خواست اختیاری انسان می‌فرماید: بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می‌خواهد کافر گردد!» (وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...) (الکھف: ۲۹).

همچنین می‌فرماید: ما راه به بشر نمودیم این دیگر به خود او بستگی دارد که شاکر باشد یا کافر (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان: ۳) (مطهری، ۱۳۷۰: ج ۳، ص ۱۲۳-۱۲۱). و این راهبری که تشریع از طرف خداوند است هرگز به معنای اجبار مردم نیست بلکه تکلیف آنها بر وفق مصالح خودشان است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۴، ۷).

همه این آیات دلالت به اختیار انسان در انجام اعمال و رفتارهایش دارد.

همچنین در آیات دیگر (ذلک بانّ الله لم یک مُعَیَّراً نِعَمَهُ اَنْعَمَهَا علی قومٍ حتّٰی یُغَیِّرُوا ما بأنفسهم و اَنَّ الله سَمِیعٌ عَلِیمٌ) (انفال: ۵۳)، و (إن الله لا یغَیِّر ما بقومٍ حتّٰی یُغَیِّرُوا ما بأنفسهم) (رعد: ۱۱) به آزادی و اختیار انسان در تعیین و تغییر سرنوشت انسان اشاره دارد. طبق این آیات، خدا آن اوضاع و احوالی را که در یک قوم وجود دارد هرگز عوض نمی‌کند، مگر آنکه خود آن قوم آنچه را که مربوط به خودشان است یعنی مربوط به روح و فکر و اندیشه و اخلاق و اعمال خودشان است را با اراده و اختیار خویش عوض کنند.

۳- مبانی بینشی جامعه‌شناسانه رفتار کننده در فرهنگ اقتصادی مطلوب

«جامعه» به معنای گروهی از مردم دانسته شده، که در یک نظام سازمان یافته‌اند. و امور مربوط به خود را مستقلاً اداره می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۲۳) قرآن کریم برای اشاره به مفهوم جامعه، از واژه‌های قوم، ناس، امت و قریه استفاده کرده است؛ که بسته به اعمال افراد آنها، سرنوشت سعادت یا شقاوت را برای آنها بیان کرده است (بقره: ۵۴)، (۲۵۰)، (۵۸)، (۲۵۹)، (اعراف: ۹۴)، (ناس: ۱-۶) و تغییرات آن وابسته به تغییر اراده افراد آن جامعه است. (انفال/ ۵۳)

جامعه‌شناسی عبارت است از: «مطالعه علمی تعامل انسانها و مجموعه آگاهی‌های مربوط به تعامل انسانها که از چنین مطالعه‌ای حاصل می‌شود.» و «هر ارتباط با معنایی» خواه شفاهی و خواه کتبی، یا با حرکات و سایر ابزار، تعامل انسانی محسوب می‌گردد. جامعه‌شناسی هم «مطالعه علمی» تعامل انسانهاست و هم «مجموعه دانش مربوط به» تعامل انسانها. از دیدگاه قرآن کریم مسلماً قوانین و آموزه‌هایی در ارتباط با این تعامل انسان‌ها وجود دارد.

از دیدگاه کارشناسان اسلامی اگر در ساخت اجتماعی یک گروه خاص از انسانها، تغییر مهمی پدیدار شود می‌بایست، بعد از آن تغییر مهم، آن جامعه را جامعه‌ای جدید و متمایز دانست. بر اساس همین دیدگاه جامعه وجود حقیقی و شخصیتی مستقل از شخصیت‌های افراد خود ندارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۲۵) یکی از عرصه‌هایی که در سرنوشت افراد و جوامع تاثیر به سزایی دارد، عرصه اقتصادی است. فرهنگ اقتصادی

مطلوب با عامل انسانی در انجام رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی، یکی از نهادهای مهم این عرصه می‌باشد که رفتارهای آنها مبتنی بر یکسری مبانی بینشی استنباط شده از منابع اساسی همانند قرآن کریم می‌باشد. براین اساس مبانی بینشی جامعه‌شناختی رفتار اقتصادی در فرهنگ اقتصادی مطلوب به آن دست از آموزه‌هایی اطلاق می‌شود که نسبت به جامعه و مجموعه قوانین، روابط و ارتباطات و تغییراتی برای قوام، سرنوشت و تکامل آن از دیدگاه قرآن اشاره شده است.

در ادامه به برخی از مبانی بینشی که در ارتباط با مباحث جامعه‌شناختی قرآن کریم و مرتبط با حوزه‌ی اقتصادی و رفتار اقتصادی در فرهنگ اقتصادی مطلوب است، اشاره می‌گردد.

۱-۳ اعطای روزی‌ها بر اساس تفاوت استعدادها و تلاشهای مشروع اقتصادی

در بینش افراد و فعالان اقتصادی جامعه‌ای که معتقد به مبانی بینشی قرآن است، خداوند بعضی از آنها را بر بعضی دیگر به خاطر تفاوت در استعدادها و تلاشهایشان (النحل: ۷۱) از جمله در عرصه رفتار اقتصادی از نظر روزی و درآمد برتری داده است.

همچنین قرآن کریم علت این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی را، برای حفظ نظام زندگی اقتصادی و معیشت انسانها می‌داند و آنها را بر طبق عدالت می‌داند. ولی با این حال، بر اساس قانون الهی مردان نصیبی از آنچه در عرصه رفتار اقتصادی و فعالیت اقتصادی و سایر برخورداری‌ها به دست می‌آورند و زنان نیز نصیب مربوط به خودشان را برخوردارند؛ و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد. در نهایت برای رفع تنگناها و کمبودها (النساء: ۳۲) از جمله در برخورداری اقتصادی و درآمد مادی رفتار اقتصادی از فضل و رحمت خداوند طلب نمایید.

۲-۳ مسئولیت مالی داشتن رفتار کننده در قبال نیازمندان و محرومان

از دیگر مبانی بینشی رفتار کننده اقتصادی در اقتصاد اسلامی، مسئولیت مالی داشتن این افراد در قبال نیازمندان و محرومان جامعه است، چنانکه می‌فرماید: و آن‌ها که در اموالشان حق معلومی برای نیازمند و محروم است (ذاریات: ۱۹). همچنین می‌فرماید: کسانی که در اموالشان حقی معلوم است (معارج: ۲۴).

از جمله این مسئولیت‌های مالی که به واجبات مالی معروف است، پرداخت یک پنجم از درآمد رفتار اقتصادی با شرایطی که در فقه بیان شده است، چنانکه می‌فرماید: بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن‌ها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) [= روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (انفال: ۴۱).

از دیدگاه فقهی و تفسیری منظور از غنیمت، علاوه بر غنیمت جنگی، درآمدی است که از رفتار اقتصادی و نظایر آن به دست می‌آید. همچنین از جمله پرداخت‌های واجب مالی در جامعه اسلامی، وجوب زکات است آنهم بر کسانی که شغل دامداری و کشاورزی دارند. چنانکه می‌فرماید: زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است (توبه: ۶۰).

در اهمیت دریافت این واجب اقتصادی همین بس که به پیامبر به عنوان یک وظیفه حاکمیتی نسبت به رفتار اقتصادی رفتار کننده توصیه می‌کند که زکات را از اموال آنها بگیر (التوبه: ۱۰۳). این دستور بر اساس وجود حق خاص برای نیازمندان در اموال عمومی جامعه و اموال ثروتمندان است.

از دیدگاه قرآن کریم حوزه‌ی این مسئولیت در دو عرصه برخوردای از منافع و درآمد اقتصادی افراد مطرح است، چنانکه در بحث پرداخت خمس بیشتر از حد نیاز (مازاد بر مئونه سال خمسی) آنها مطرح است که افراد بر اساس نیاز خویش از بیت المال جامعه مسلمین که بخشی از وجوه آن از واریزهای خمس و زکات اموال و عایدات مشمولین آنها تهیه می‌شود، بهره‌مند می‌گردند، چنانکه قرآن کریم به حق نیازمندان جامعه در بیت المال مسلمانان و در اموال ثروتمندان اشاره دارد. چنانکه می‌فرماید: وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ. (الذاریات: ۱۹) و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود! این موضوع در آیات (المعارج: ۲۴) و (المعارج: ۲۵) نیز اشاره شده است.

از دیدگاه علامه طباطبایی؛ تخصیص حق سائل و محروم و اموال متقین نشان می‌دهد مقصود این است که پرهیزگاران با پاکی فطرت خود حق سائل و محروم را در اموال خود درک می‌کند برای نشر رحمت و ایثار نیکی بخشی از مال خود را به نیازمندان اختصاص می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۸، ۳۷۴).

عرصه دیگر حق سهم بری و برخورداری از منابعی مثل انفال و درآمدهای مالی از آن است که به منصب امامت و رهبر جامعه اسلامی تعلق دارد (الأنفال: ۱).

همچنین فی نیز یکی از اقلام درآمد دولت اسلامی است، اگرچه در میان مفسران و فقیهان در مورد مصداق آن اختلاف است، اما خداوند متعال تصریح می‌فرماید که رسیدگی به یتیمان، فقرا و مسکینان و در راه ماندگان یکی از مصارف فی است. چنانکه می‌فرماید: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (الحشر: ۷) یعنی: آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! البته اجرای عملی این عرصه بر اساس قاعده عدم تداول ثروت در دست اغنیاء است.

۳-۳ نسپردن مال به دست غیر متخصص و سفیه

سپردن اموال به دست غیر متخصص و سفیه در صورتی از دیدگاه قرآن کریم توصیه شده است که افراد به مرحله رشد کافی اقتصادی رسیده باشد (نساء: ۶) زیرا مال از این دیدگاه مایه قوام زندگی افراد است و نباید در دست افراد سفیه و غیر متخصص داده شود. چنانکه می‌فرماید: اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آن‌ها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید (النساء: ۵).

۳-۴ تراضی در خرید و فروش و پایبندی به عقود اقتصادی

از دیگر باورهای رفتار اقتصادی در فرهنگ اقتصادی مطلوب رعایت تراضی طرفین

در تجارت و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد، از نظر قرآن کریم «تجارت بدون رضایت» یا «رضایت بدون تجارت» (مانند قمار و...)، راه مشروع تلقی نمی‌شود. (نساء: ۲۹).

همچنین قرآن کریم با توصیه به پایبندی به عقد و قراردادهای اقتصادی طرفینی که از جمله آنها عقود اقتصادی در فرهنگ اقتصادی مطلوب است، این مبنا را اشاره دارد (مائده: ۱) چنانکه برخی از عقود از قبیل؛ عقد جعاله (یوسف: ۷۲)، عقد بیع (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ (بقره: ۲۷۵)، عقد قرض (بقره: ۲۴۵) و سایر قراردادها را بیان کرده است.

نتیجه‌گیری

مبانی هستی‌شناسی فرهنگ اقتصادی در حوزه‌های خداشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، بیان شده است. بر اساس باورهای خداشناسی رفتارکننده؛ جهان دارای مدیر و مدبری است که رزق و روزی و برکات آسمانها و زمین از جمله برکت در درآمد کسب و کار به دست اوست. در مبنای انسان‌شناسی قرآنی، انسان موجودی دو بعدی است. از این رو، نیازها و تمایلات انسان نیز دو گونه است و تکامل او نیز در گرو رشد مطلوب هر دو بُعد می‌باشد. برخی از ویژگیها و نشانه‌های رفتاری چنین انسانی که در اقتصاد سرمایه داری خسیس و خودخواه، کم‌ظرفیت و کم‌طاقت و پیوسته، سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد. در مقابل، انسان «تربیت یافته، تزکیه شده» در اقتصاد اسلامی قرار دارد که خلیفه خدا، هماهنگ با منافع دیگران و وابسته به ثروتش نیست، بلکه آن را در مسیر رضایت الهی و مسیر خدمت به رفع نیاز نیازمندان به کار می‌گیرد؛ و دارایی خویش را در «سودایی مقدس»، وسیله‌ای برای نیل به منافع درازمدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد. شماری از مبانی بینشی جامعه‌شناختی قرآن کریم تحت عنوان اعطای روزی‌ها بر اساس تفاوت استعدادها و تلاشهای مشروع اقتصادی، مسئولیت مالی رفتار کننده اقتصادی و نسیپردن مال به دست غیر متخصص و سفیه از جمله مبانی جامعه‌شناختی می‌توان اشاره شده است.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. ابراهیمی کرچی، ایمان (۱۳۹۹)، عوامل بینشی و گرایشی پیشرفت فرهنگ از دیدگاه علامه طباطبایی، فرهنگ پژوهش تابستان شماره ۴۲ ویژه علوم اجتماعی.
۲. اسدی، علی (۱۳۹۳)، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۵.
۳. اصغری، محمود (۱۳۸۴)، درآمد دین و اقتصاد، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۵۳ ISC.
۴. اگبرن و نیمکف (۱۳۵۸)، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس آریانپور ا. ح، تهران. نشر کتاب‌های جیبی.
۵. امامی، محمد (۱۳۹۵)، نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان، آموزه‌های قرآنی، ش ۲۳.
۶. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی، ترجمه مریم وتر، کویر، تهران.
۷. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن، بوستان کتاب، قم.
۸. بیرو، آلن (۱۳۶۷)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ساروخانی، باقر، کیهان، تهران.
۹. پارسانیا، حمید (۱۳۹۱)، جهان‌های اجتماعی، کتاب فردا، قم.
۱۰. پارسانیا، حمید (۱۳۸۸)، روش شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی، پژوهش، سال اول، شماره دوم.
۱۱. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۵)، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، چاپ دوم، ناشر تمدن نوین اسلامی، قم.

۱۲. توکلی، محمدجواد، ایزانلو، امید (۱۳۹۵)، تحلیل کارکردی سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام، پژوهشنامه سبک زندگی، ش ۲.
۱۳. جلانی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، نشرنی.
۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، میانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، بیانات در مرقد مطهر امام خمینی ره، پیرامون مفهوم الگو و پیشرفت، نقشه راه پیشنهادی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۶. خامنه‌ای، علی (۱۳۷۵)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب، تهران.
۱۷. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نهاد ریاست جمهوری، تهران.
۱۸. شرف الدین، سیدحسین (۱۳۹۴)، بایسته‌های فرهنگ سازی، دوفصلنامه مطالعات اجتماعی و رسانه، سال چهارم، شماره ۵، ۵۰.
۱۹. شرف الدین، --- (۱۳۹۳)، مفاهیم و دیدگاه‌های نظری در موضوع فرهنگ و اقتصاد، نشر، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، قم.
۲۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، فرهنگ سازی، اولویت نخست رسانه ملی، گفتگو با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی، مجله: مطالعات اجتماعی و رسانه بهار، سال چهارم - شماره ۵.
۲۱. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، اخلاقی، حلیمه (۱۳۹۶)، بنیادهای نظری سبک زندگی از دیدگاه قرآن کریم، مطالعات اسلام و روانشناسی سال یازدهم، شماره ۲۰.
۲۲. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، اخلاقی، حلیمه (۱۳۹۶)، مبانی هستی‌شناختی سبک زندگی طبیه از دیدگاه قرآن کریم، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱ - شماره پیاپی ۸.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۵. غفاری، مجتبی (۱۳۹۸)، کارکردهای مبانی هستی‌شناسی تعیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، اقتصاد اسلامی سال نوزدهم، شماره ۷۶.

۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۷. مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مقاله، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بی جا.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، چ ۱۳، صدرا، تهران.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، مجموعه آثار، صدرا، تهران.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، مثالهای زیبای قرآن، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات نسل جوان.
۳۲. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹)، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مقاله الگوی پیشرفت و اسلامی سازی علوم انسانی، بی جا.
۳۳. میرمعزی --- (۱۳۸۸)، اصلاح الگوی مصرف، مجموعه مقالات، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
۳۴. میرمعزی --- (۱۳۸۹)، روش کشف نظام اقتصادی اسلام، اقتصاد اسلامی، ش ۳۹، وزارت علوم.
۳۵. میرمعزی، --- (۱۳۸۹)، الگوی پیشرفت و اسلامی سازی علوم انسانی، بازیابی در، ۸/۹/۱۳۹۳، از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای.
۳۶. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۶)، مبانی جامعه شناسی، انتشارات بهینه، تهران.
۳۷. ورجاوند، پرویز (۱۳۶۸)، پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۳۸. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۳)، «جامعه شناسی ۲ - فرهنگ» سال سوم نظام جدید.
۳۹. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، موسسه فرهنگی خرد، تهران.
۴۰. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۹۰)، رفتارشناسی اقتصادی انسان مادی گرا از دیدگاه قرآن کریم، اقتصاد اسلامی، ش ۴۳.

۴۱. هادوی نیا، --- (۱۳۹۳)، رفتار شناسی انسان فطرت گرا در گستره توزیع از دیدگاه قرآن کریم، اقتصاد اسلامی، ش ۵۴.
۴۲. هادوی نیا، --- (۱۳۸۲)، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۴۳. هادوی نیا، --- (۱۳۸۷)، فلسفه اقتصاد، در پرتو جهان بینی قرآن کریم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۴۴. هادوی نیا، --- (۱۳۸۶)، جایگاه اقتصادی سنت رزق، اقتصاد اسلامی زمستان، سال هفتم، ش ۲۸.